

باسمه تعالی

راهنمای نگارش و ارسال طرح سیاستی



دوازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی

12th Annual Conference on
Moqavemati Economy

نظم نوین جهان؛ بازآفرینی قدرت ایران

آذر ۱۴۰۴



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

فهرست مطالب

- ۱) معرفی همایش ۲
- ۲) تشریح محورهای دوازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی ۳
- ۳) نوع آثار ارسالی ۲۱
- ۴) مراحل و زمان بندی پذیرش آثار ۲۳
- ۵) نکات مهم در تدوین طرح سیاستی ۲۵
- ۶) ملاحظات ارسال اثر و مزایا ۲۶
- ۶) نمونه طرح سیاستی ۲۷



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

(۱) معرفی همایش

همایش سالانه اقتصاد مقاومتی رویدادی مستمر است که با هدف «بهبود کیفیت تصمیم گیری در کشور» توسط اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار می‌شود. در این همایش سالانه، زمینه برای رصد و پایش مسائل اصلی اقتصاد کشور، تقویت پایه‌های علمی و سیاستی مبتنی بر الگوی اقتصاد مقاومتی و ارائه پیشنهادها و عملیاتی برای مقاوم‌سازی اقتصاد، در یک حوزه موضوعی مشخص و با حضور خبرگان فراهم می‌گردد. همچنین در جریان همایش، مشروح گفتگوها و خروجی مباحثات و مطالعات، از طریق رسانه‌ها جریان سازی می‌شود تا شرایط بهره‌برداری، مشارکت و اظهارنظر برای تمامی مخاطبان و فعالان فضای سیاستگذاری کشور فراهم گردد.

رویکرد این همایش سالانه به عنوان معتبرترین رویداد سالانه اقتصاد مقاومتی در کشور، سیاستی و عملیاتی بوده و خروجی آن جهت بهره‌برداری به دستگاه‌های مسئول ارائه و توسط اندیشکده اقتصاد مقاومتی پیگیری می‌شود. لذا این رویداد، فرصتی است برای مسئولین، کارشناسان، پژوهشگران و دانشگاهیان تا پیرامون دیدگاه‌های مختلف که برای حل چالش‌های اقتصادی کشور در موضوع همایش ارائه شده‌است، در تعاملی چند سویه، منتقدانه به گفتگو بنشینند و در بهبود سیاستگذاری و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور، اثری دوچندان ایفا نمایند.

دوازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی با موضوع «نظم نوین جهانی؛ بازآفرینی قدرت ایران» در سال جاری در دستور کار قرار دارد.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

۲) تشریح محورهای دوازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی

دوازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی با موضوع «نظم نوین جهانی؛ بازآفرینی قدرت ایران» حول ۳ محور و ۱۲ زیرمحور برگزار می‌شود:

چیستی و تبیین

- مختصات نظم نوین جهانی
- جایگاه ایران در نظم نوین
- چشم انداز نظم نوین
- رهیافت‌ها برای ایران

فرصت‌ها و ابتکارات

- ظرفیت‌های ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران
- تعاملات راهبردی با کشورهای هدف
- گروه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای
- ایمن‌سازی زنجیره‌های تامین

موانع و چالش‌ها

- کارزار تحریم و فشار حداکثری
- کشورهای رقیب منطقه‌ای
- موانع نهادی و ساختاری داخلی
- موانع بینشی و انگیزشی تصمیم‌گیران

در ادامه محورها و زیرمحورهای همایش به تفصیل شرح داده شده‌است.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

محور اول: چستی و تبیین

این محور به واکاوی مبانی نظری و مصادیق عینی تحول در ساختار قدرت جهانی می‌پردازد. نظم نوین جهانی صرفاً یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه واقعیتی در حال تکوین است که از نشانه‌هایی همچون افول نسبی هژمونی آمریکا، ظهور قدرت‌های جدید مانند چین و افزایش نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای شکل گرفته است. هدف این محور آن است که با ارائه تحلیلی دقیق از این محیط در حال گذار، چارچوبی برای فهم چگونگی بازآفرینی قدرت ایران فراهم آورد. این بازآفرینی، مستلزم شناخت دقیق قواعد، فرصت‌ها و محدودیت‌های این نظم جدید است تا بتوان از یک بازیگر منفعل، به یک کنشگر فعال و شکل‌دهنده در عرصه بین‌المللی تبدیل شد.

مختصات نظم نوین جهانی

این بخش بر شناسایی ویژگی‌های عینی و ساختاری نظم در حال ظهور تمرکز دارد. برخلاف نظم تک‌قطبی پس از جنگ سرد که در آن نهادهای غربی (مانند گروه ۷، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) قواعد بازی را تعیین می‌کردند، نظم نوین جهانی با مشخصه‌هایی چون «چندجانبه‌گرایی غیرغربی» و رقابت بر سر استانداردهای فناورانه تعریف می‌شود.

رشد سریع گروه بریکس که اکنون بیش از ۴۵ درصد جمعیت جهان و سهمی بزرگ‌تر از گروه ۷ در تولید ناخالص داخلی جهانی (بر اساس برابری قدرت خرید) را در اختیار دارد، یک نمونه عینی از این تغییر است. از پژوهشگران انتظار می‌رود که ابعاد مختلف این نظم را به صورت عمیق و با تکیه بر مصادیق عینی واکاوی کنند. این ابعاد، زمینه‌های اصلی رقابت و همکاری در جهان جدید را تشکیل می‌دهند و درک آن‌ها برای بازآفرینی قدرت ایران حیاتی است. مهم‌ترین این ابعاد عبارتند از:

- **رقابت فناورانه و اقتصاد سیاسی دانش:** در نظم نوین جهانی، قدرت بیش از هر زمان دیگری به تسلط بر فناوری‌های کلیدی گره خورده است. این رقابت به وضوح در جنگ تجاری و فناورانه میان ایالات متحده و چین قابل مشاهده است. اقداماتی مانند قانون «تراشه و علم (CHIPS and Science Act)» آمریکا برای محدود کردن دسترسی چین به نیمه‌رساناهای پیشرفته و در مقابل، طرح «ساخت چین ۲۰۲۵ (Made in China 2025)»



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

«China 2025» برای دستیابی به استقلال فناوریانه، صرفاً رقابت اقتصادی نیستند؛ بلکه ابزارهای قدرت‌سازی در قرن بیست و یکم به شمار می‌روند.

این حوزه برای ایران هم تهدید به شمار می‌آید و هم فرصت؛ تهدید از این منظر که به دلیل تحریم‌ها، دستیابی ایران به این نسل‌های جدید فناوری با موانعی روبروست. با این حال از جمله معانی بازآفرینی قدرت در این عرصه، سرمایه‌گذاری هدفمند در حوزه‌هایی است که ایران در آن‌ها مزیت نسبی دارد و همچنین همکاری راهبردی با قدرت‌های غیرغربی برای شکستن انحصار فناوری غرب.

- **جنگ‌های ارزی و تلاش برای دلارزدایی:** سلطه دلار آمریکا بر نظام مالی جهانی، قدرتمندترین ابزار هژمونی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بوده است. این سلطه به واشنگتن اجازه می‌دهد تا از طریق تحریم‌های مالی، کشورها را از اقتصاد جهانی منزوی کند. نظم نوین جهانی با تلاش روزافزون قدرت‌های نوظهور برای کاهش وابستگی به دلار یا «دلارزدایی» (De-dollarization) شناخته می‌شود. اقداماتی نظیر انجام تجارت دوجانبه میان روسیه و چین با ارزهای ملی، پیشنهاد ایجاد یک ارز مشترک در گروه بریکس و تصمیم عربستان سعودی برای بررسی فروش نفت به چین با یوان، همگی نشانه‌هایی از این روند هستند. برای ایران که در کانون تحریم‌های دلاری قرار دارد، این روند یک فرصت راهبردی است. بازآفرینی قدرت اقتصادی ایران ارتباط مستقیمی با موفقیت در پیوستن به این معماری مالی موازی، از طریق انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه، استفاده از ظرفیت نهادهایی مانند «بانک توسعه نوین» بریکس و توسعه سازوکارهای تبادل مالی غیرغربی دارد.

- **اقتصاد سیاسی انرژی و بازآرایی منطقه‌ای:** نقشه انرژی جهان در حال تغییر است. از یک سو، حرکت جهانی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، معادلات قدرت را در بلندمدت تغییر خواهد داد. از سوی دیگر، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، سوخت‌های فسیلی همچنان حیاتی باقی می‌مانند و تولیدکنندگان بزرگ انرژی در حال شکل‌دهی به ائتلاف‌های جدید هستند. شکل‌گیری ائتلاف «اوپک پلاس» که روسیه را به عنوان یک تولیدکننده بزرگ غیرعضو اوپک در کنار این سازمان قرار داد، نمونه‌ای از تلاش برای مدیریت بازار انرژی خارج از اراده قدرت‌های غربی است. برای ایران به عنوان دارنده یکی از بزرگترین ذخایر نفت و گاز جهان، بازآفرینی قدرت در این حوزه به معنای استفاده از «دیپلماسی انرژی» فعال است. این امر شامل همکاری راهبردی با دیگر تولیدکنندگان در چارچوب‌هایی مانند اوپک پلاس و مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) و همچنین تبدیل به یک کانون منطقه‌ای (هاب) انرژی از طریق سوآپ و ترانزیت گاز از کشورهای همسایه (مانند ترکمنستان) به بازارهای جهانی است.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

- اهمیت فزاینده کریدورهای حمل و نقل و همکاری‌های منطقه‌ای: در نظم نوین جهانی که بر اتصال و شبکه‌سازی تأکید دارد، کنترل بر مسیرهای تجاری و دالان‌های حمل و نقل به اندازه کنترل بر سرزمین اهمیت یافته است. رقابت میان پروژه‌هایی مانند «ابتکار کمربند و راه چین (BRI)» و «کریدور اقتصادی هند-غرب آسیا-رژیم صهیونیستی-اروپا (IMEC)» نشان‌دهنده اهمیت ژئواکونومیک این مسیرهاست. موقعیت جغرافیایی ایران در چهارراه این کریدورها، یک فرصت بی‌نظیر برای بازآفرینی قدرت است. فعال‌سازی کامل «کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)» که می‌تواند مسیر تجارت میان هند و روسیه و حتی هند و اروپا را به شکل چشم‌گیری کوتاه‌تر و ارزان‌تر کند، ایران را به حلقه‌ای ضروری و غیرقابل حذف در زنجیره تجارت جهانی تبدیل می‌کند. این امر نه تنها منافع اقتصادی مستقیم دارد؛ بلکه با گره زدن امنیت اقتصادی قدرت‌های بزرگ به ثبات ایران، ضریب امنیت ملی کشور را نیز افزایش می‌دهد.

جایگاه ایران در نظم نوین

این زیرمحور به ارزیابی چندبعدی موقعیت کنونی و ظرفیت‌های بالقوه ایران در ساختار متحول قدرت جهانی می‌پردازد. در نظم نوین جهانی، اتکای صرف به متغیرهای سنتی قدرت مانند حجم تولید ناخالص داخلی، میزان تولید نفت یا توان نظامی متعارف، ارزیابی ناقصی از جایگاه یک کشور ارائه می‌دهد. قدرت امروزه ماهیتی شبکه‌ای و ترکیبی دارد و بر اساس توانایی یک کشور در بهره‌برداری از مزیت‌های منحصر به فرد خود تعریف می‌شود. این بخش به دنبال واکاوی دقیق منابع قدرت ایران و ارائه راهکارهایی برای هم‌افزایی آن‌ها در راستای بازآفرینی قدرت ملی است. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مزیت‌های پایدار جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) و جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک)

- تسلط بر شاهراه‌های انرژی: موقعیت ایران همچنان یک متغیر ثابت و حیاتی در امنیت انرژی جهان است. تسلط بر تنگه هرمز که نه تنها حدود ۲۰ درصد نفت خام جهان، بلکه بخش قابل توجهی از گاز مایع جهان، به ویژه از سوی قطر، از آن عبور می‌کند، یک اهرم فشار و چانه‌زنی راهبردی است. در نظم نوین جهانی که رقابت بر سر امنیت منابع تشدید شده، این جایگاه اهمیتی مضاعف می‌یابد.
- کانون اتصال و ترانزیت اوراسیا: همزمان با افزایش اهمیت مسیرهای زمینی و با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، بر اهمیت این کشور در کریدورهای جدید حمل و نقل افزوده می‌شود. کریدور حمل و نقل بین‌المللی



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

شمال-جنوب که مسیر تجارت میان هند، ایران، آذربایجان و روسیه را به اروپا متصل کرده و می‌تواند زمان و هزینه حمل‌ونقل را بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش دهد، یک فرصت تاریخی است. علاوه بر این، ایران می‌تواند به عنوان پل ارتباطی در ابتکار کمربند و راه چین عمل کرده و مسیر اتصال غرب چین به غرب آسیا و اروپا را فراهم کند.

- ابزارهای نفوذ نامتقارن و عمق راهبردی منطقه‌ای

- شبکه متحدین منطقه‌ای (جبهه مقاومت): این شبکه که شامل بازیگران دولتی و غیردولتی در کشورهای منطقه است، یک منبع قدرت منحصر به فرد برای ایران به شمار می‌رود. این شبکه به ایران اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را فراتر از مرزهایش اعمال کرده، بازدارندگی موثری در برابر رقبا ایجاد کند و در فرآیندهای حل بحران‌های منطقه‌ای نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. در نظم نوین جهانی که درگیری‌ها ماهیت ترکیبی و نیابتی دارند، این ابزار اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال یکی از پرسش‌های اساسی این است که چگونه می‌توان کارکرد این شبکه را از یک بعد صرفاً امنیتی-نظامی به ابعاد سیاسی و اقتصادی نیز گسترش داد و از ظرفیت آن برای ایجاد بلوک‌های همکاری منطقه‌ای بهره برد.

- قدرت نرم فرهنگی و تمدنی: ایران به عنوان وارث یک تمدن کهن و کانون جهان تشیع، از نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک قابل توجهی در منطقه و جهان اسلام برخوردار است. این قدرت نرم، اگرچه در سال‌های اخیر تحت‌الشعاع برخی مسائل سیاسی قرار گرفته، اما همچنان یک ظرفیت بالقوه برای بازآفرینی قدرت است. ایده‌هایی مانند ترویج زبان فارسی، دیپلماسی علمی و دانشگاهی با کشورهای همسایه و تولیدات فرهنگی مشترک می‌تواند به بازسازی تصویر ایران و ایجاد پیوندهای عمیق مردمی کمک کند.

چشم‌انداز نظم نوین

در این بخش، سناریوهای محتمل برای آینده ساختار بین‌المللی مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. این بررسی، یک اقدام ضروری برای تدوین راهبرد ملی جهت بازآفرینی قدرت ایران محسوب می‌شود، چراکه هر سناریو، محیطی متفاوت با فرصت‌ها و تهدیدهای خاص خود را ایجاد می‌کند که نیازمند سیاست‌های متناسب است.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

یکی از محتمل‌ترین چشم‌اندازها، حرکت جهان به سمت یک جنگ سرد جدید میان ایالات متحده و چین است. نشانه‌های این وضعیت در رقابت شدید بر سر تسلط بر فناوری‌های راهبردی مانند هوش مصنوعی و نیمه‌رساناها، تلاش دو طرف برای ایجاد بلوک‌های نظامی و اقتصادی رقیب (مانند پیمان AUKUS به رهبری آمریکا در مقابل تعمیق همکاری‌های راهبردی چین و روسیه)، و یک رویارویی ایدئولوژیک فزاینده میان الگوهای حکمرانی قابل مشاهده است. این سناریو برای ایران، پیامدهای دوگانه‌ای به همراه دارد. از یک سو، قرار گرفتن در مدار قدرت‌های شرقی می‌تواند فضای تنفس راهبردی در برابر فشارهای آمریکا ایجاد کند که توافقنامه ۲۵ ساله با چین و توافقنامه راهبردی با روسیه در چنین فضایی اهمیت حیاتی می‌یابد. از سوی دیگر، این انتخاب می‌تواند به قیمت کاهش انعطاف در سیاست خارجی و تبدیل شدن به یک بازیگر فرعی در راهبرد کلان چین تمام شود. بازآفرینی قدرت در چنین سناریویی، به توانایی اتخاذ راهبرد «موازنه فعال» و پرهیز از وابستگی کامل به یک قطب بستگی خواهد داشت.

سناریوی دوم، شکل‌گیری یک جهان چندقطبی است. در این چشم‌انداز، قدرت جهانی نه میان دو ابرقدرت، بلکه میان مجموعه‌ای از قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای شامل آمریکا، چین، اتحادیه اروپا، روسیه، هند و بازیگران تاثیرگذار منطقه‌ای توزیع می‌شود. در چنین جهانی، ائتلاف‌ها موقتی و موضوعی بوده و کشورها بر اساس منافع مشخص با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کنند؛ برای مثال، هند همزمان در گروه چهارجانبه امنیتی (Quad) در کنار آمریکا و در سازمان شانگهای و بریکس در کنار چین، روسیه و ایران حضور دارد. این سناریو، مطلوب‌ترین فضا را برای بازآفرینی قدرت ایران فراهم می‌آورد. در یک جهان چندقطبی، ایران می‌تواند با اتکا به مزیت‌های جغرافیای سیاسی و شبکه نفوذ منطقه‌ای خود، به یک قطب قدرت مستقل در غرب آسیا تبدیل شود. در این فضا، تقویت سازمان‌های منطقه‌ای، تعمیق همکاری‌ها در چارچوب شانگهای و بریکس و ایجاد روابطی متوازن با همه قدرت‌های بزرگ، به اولویت اصلی سیاست خارجی تبدیل می‌شود. البته چالش اصلی در این سناریو، مدیریت رقابت‌های شدید منطقه‌ای با بازیگرانی مانند عربستان و ترکیه خواهد بود که آن‌ها نیز به دنبال ایفای نقش قطب منطقه‌ای هستند.

سناریوی سوم که بدبینانه‌تر است، جهانی بی‌سامان و آشوبناک است که در آن هیچ قطب یا ائتلاف پایداری وجود ندارد. این جهان، با بحران‌های متقاطع و حل‌نشده تعریف می‌شود. تغییرات اقلیمی که به بحران آب و مهاجرت‌های گسترده در مناطقی مانند غرب آسیا و آفریقا دامن می‌زند و بحران‌های امنیتی و غذایی ناشی از درگیری‌های منطقه‌ای که ممکن است زنجیره‌های تامین را مختل کند، همگی از مشخصه‌های این چشم‌انداز



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

نگران‌کننده هستند. در چنین جهانی، نهادهای بین‌المللی کارایی خود را از دست می‌دهند و بقای ملی به اولویت اصلی دولت‌ها تبدیل می‌شود. بازآفرینی قدرت ایران در این سناریوی پرآشوب، معنایی کاملاً متفاوت پیدا می‌کند و بیش از آنکه به نفوذ خارجی معطوف باشد، به تاب‌آوری ملی و حفظ انسجام داخلی وابسته است. در این وضعیت، کشوری قدرتمند محسوب می‌شود که بتواند امنیت غذایی، آبی و بهداشتی جمعیت خود را تامین کرده و از مرزهای خود در برابر تهدیدات گروه‌های فراملی محافظت نماید.

بدیهی است که در کنار این سناریوها، می‌توان سناریوهای دیگری را نیز عنوان کرد که تحلیل پیامدهای هر یک از سناریوها برای امنیت و منافع ملی ایران و تبیین لوازم راهبردی مواجهه با هر کدام، از اهداف اصلی این زیرمجموعه به شمار می‌رود.

رهیافت‌ها برای ایران

این زیرمجموعه بر تدوین و ارزیابی راهبردهای کلان برای کنشگری فعال جمهوری اسلامی ایران در نظم نوین جهانی تمرکز دارد. پس از شناخت دقیق محیط بین‌الملل و ارزیابی واقع‌بینانه جایگاه کشور، ایران با انتخاب‌های راهبردی مشخصی روبرو است که مسیر آینده آن را تعیین خواهد کرد. این بخش به دنبال دریافت تحلیل‌هایی است که به صورت مستدل و عملیاتی، به این انتخاب‌های بنیادین بپردازند و نقشه راهی برای بازآفرینی قدرت ایران ترسیم کنند.

یک گزینه راهبردی، اتخاذ سیاست صریح «پیوستن به شرق» است. این رویکرد مبتنی بر این تحلیل است که مرکز ثقل قدرت اقتصادی و سیاسی جهان به صورت بازگشت‌ناپذیری به سمت شرق در حال حرکت است و ایران باید جایگاه خود را در این بلوک جدید قدرت تثبیت کند. مصادیق عملی این راهبرد، فراتر از عضویت در نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس است و شامل تعمیق همه‌جانبه روابط راهبردی با چین و روسیه می‌شود. این امر می‌تواند در قالب اجرای کامل سند همکاری جامع ۲۵ ساله با چین در حوزه‌های انرژی و زیرساخت، و ارتقای همکاری‌های نظامی-فنی با روسیه به یک اتحاد راهبردی تجلی یابد. مزیت این راهبرد، ایجاد یک سپر حمایتی قدرتمند در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب و دسترسی به بازارها و فناوری‌های جایگزین است. با این حال، چالش اصلی آن، خطر تبدیل شدن به یک شریک کوچک‌تر در راهبرد کلان پکن یا مسکو و از دست دادن استقلال عمل در سیاست خارجی است.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

گزینه راهبردی دیگر، پیگیری یک سیاست «عدم تعهد فعال» یا «موازنه راهبردی» است. این رهیافت بر این اصل استوار است که در یک جهان چندقطبی، تعهد انحصاری به یک بلوک، فرصت‌های تعامل با دیگر قطب‌های قدرت را از بین می‌برد. بر اساس این دیدگاه، ایران باید همانند قدرت‌هایی چون هند یا ترکیه، با همه بازیگران اصلی از جمله چین، روسیه، اتحادیه اروپا و دیگر قدرت‌های نوظهور، روابطی متوازن و مبتنی بر منافع مشخص را دنبال کند. برای مثال، همزمان با توسعه کریدور شمال-جنوب با روسیه و هند، می‌توان همکاری‌های تجاری غیرتحریمی با اروپا را حفظ کرد و از رقابت قدرت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کلیدی مانند توسعه بندر چابهار بهره برد. این راهبرد، حداکثر انعطاف و استقلال را برای کشور فراهم می‌کند، اما اجرای آن نیازمند توانمندی اقتصادی بالا و دیپلماسی بسیار پیچیده و هوشمندانه است و همواره با خطر بی‌اعتمادی از سوی همه طرف‌ها روبروست.

در نهایت، هر یک از این راهبردهای کلان باید با ترکیبی بهینه از ابزارهای قدرت پشتیبانی شود. در این بخش، باید به این پرسش پاسخ داده شود که چه تلفیقی از دیپلماسی اقتصادی (مانند تمرکز بر اقتصاد ترانزیت و دیپلماسی انرژی)، قدرت نرم فرهنگی (با بهره‌گیری از ظرفیت تمدنی، مذهبی و زبانی در حوزه پیرامونی) و بازدارندگی دفاعی (به عنوان تضمین‌کننده امنیت و تمامیت ارضی کشور در یک محیط پرآشوب) می‌تواند منافع ملی ایران را به بهترین شکل تامین نماید. تحلیل‌های ارائه شده در این بخش باید فراتر از توصیه‌های کلی رفته و با ارائه مدل‌های عملیاتی، به سیاست‌گذاران در انتخاب و اجرای موثرترین مسیر برای بازآفرینی قدرت ایران در دهه‌های آینده یاری رسانند.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

محور دوم: فرصت‌ها و ابتکارات

این محور بر شناسایی فرصت‌های مشخص و ارائه راهکارهای مبتکرانه برای ارتقای قدرت ملی در نظم نوین جهانی تمرکز دارد. ویژگی اصلی این نظم جدید، شکستن انحصارهای قدرت اقتصادی و سیاسی غرب و ایجاد فضاهای جدید برای کنشگری است. برای ایران، این به معنای فرصتی تاریخی برای عبور از محدودیت‌های ناشی از تحریم و انزوا و تعریف نقشی جدید برای خود است. درگیری نظامی اخیر با رژیم صهیونیستی، ضمن آشکار ساختن تهدیدات، به عنوان یک عنصر تسریع‌کننده عمل کرده و ضرورت بهره‌برداری از این فرصت‌ها را از یک انتخاب راهبردی به یک الزام امنیت ملی تبدیل نموده است. این محور به دنبال تبدیل ظرفیت‌های بالقوه کشور به مولفه‌های قدرت بالفعل در راستای بازآفرینی قدرت ایران در یک محیط پس از بحران است.

ظرفیت‌های جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی ایران

موقعیت جغرافیایی ایران در نظم نوین جهانی که در آن رقابت بر سر مسیرهای تجاری زمینی شدت یافته، یک دارایی راهبردی است که اهمیت آن پس از درگیری نظامی اخیر با رژیم صهیونیستی، ماهیتی حیاتی پیدا کرده است. این تقابل نظامی نشان داد که وابستگی صرف به درآمدهای نفتی و مسیرهای حمل‌ونقل دریایی سنتی تا چه حد می‌تواند در زمان بحران، اقتصاد ملی را آسیب‌پذیر سازد. از این رو، فعال‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی کشور از یک اولویت اقتصادی به یک الزام امنیت ملی برای بازآفرینی قدرت ایران تبدیل شده است.

پروژه‌هایی مانند کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب، در این فضای جدید معنای عمیق‌تری می‌یابند. این کریدور که می‌تواند زمان حمل کالا از بنادر هند به روسیه را تا ۴۰ درصد کاهش دهد، دیگر تنها یک جایگزین اقتصادی برای کانال سوئز نیست؛ بلکه یک مسیر راهبردی است که خارج از نقاط بحرانی و حوزه‌های نفوذ قدرت‌های غربی عمل می‌کند. درگیری اخیر، آسیب‌پذیری مسیرهای دریایی سنتی در شرق مدیترانه و دریای سرخ را به اثبات رساند و جذابیت یک مسیر امن و باثبات از طریق خاک ایران را برای قدرت‌هایی چون هند و روسیه دوچندان کرد. به همین ترتیب، توسعه بندر چابهار به عنوان دروازه ورود به آسیای مرکزی، نه تنها یک پروژه اقتصادی برای دور زدن رقبای منطقه‌ای است، بلکه به عنوان یک لنگرگاه اقتصادی و راهبردی در خارج از منطقه پرتنش خلیج فارس، عمق تنفس اقتصادی و امنیتی کشور را افزایش می‌دهد.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

هدف این بخش، ارائه طرح‌های عملیاتی برای گذار ایران از جایگاه یک صادرکننده مواد خام به یک «کانون اتصال منطقه‌ای (هاب)» است. این گذار مستلزم یک بازنگری بنیادین در دیپلماسی اقتصادی است. پس از یک درگیری نظامی، پرسش اصلی شرکای بین‌المللی، امنیت و قابلیت اطمینان این مسیرها خواهد بود. بنابراین، بازآفرینی قدرت در این حوزه، به معنای توانایی ایران در تضمین امنیت فیزیکی و حقوقی این کریدورها و تبدیل شدن به یک «تامین‌کننده ثبات» در مسیرهای تجاری است. این امر نه تنها با متنوع‌سازی منابع، درآمدهای ارزی پایداری را برای کشور ایجاد می‌کند، بلکه مهم‌تر از آن، یک «سپر اقتصادی» به وجود می‌آورد. زمانی که منافع اقتصادی حیاتی کشورهایی مانند چین، هند و روسیه به زیرساخت‌های داخل ایران گره بخورد، هرگونه تهدید نظامی علیه تمامیت ارضی و ثبات ایران، به معنای تهدید منافع مستقیم این قدرت‌ها نیز خواهد بود و از این طریق، ضریب امنیت ملی کشور به شکلی معنادار افزایش می‌یابد.

تعاملات راهبردی با کشورهای هدف در نظم نوین جهانی

در نظم نوین جهانی، که در آن ائتلاف‌ها سیال‌تر و مبتنی بر منافع مشخص هستند، تقابل نظامی اخیر با رژیم صهیونیستی نیز به عنوان یک کاتالیزور عمل کرده و ضرورت بازتعریف و تعمیق شراکت‌های راهبردی ایران را از یک انتخاب به یک الزام امنیت ملی تبدیل نموده است. این درگیری، آزمونی برای سنجش قابلیت اتکای شرکای بین‌المللی بود و نشان داد که در یک محیط پرمخاطره، بازآفرینی قدرت سیاسی کشور نیازمند یک معماری سیاست خارجی چندلایه و تاب‌آور است.

بر این اساس، تعمیق روابط با قدرت‌های کلیدی غیرغربی، سنگ‌بنای این معماری جدید محسوب می‌شود. سند همکاری جامع ۲۵ ساله با چین، دیگر تنها یک توافق اقتصادی نیست، بلکه یک میثاق راهبردی برای ایجاد ثبات در برابر فشارهای پس از جنگ است. حمایت سیاسی پکن در نهادهایی مانند شورای امنیت سازمان ملل و ظرفیت آن برای ارائه راه‌های تنفس اقتصادی خارج از نظام مالی غرب، اهمیتی حیاتی دارد. به همین ترتیب، همکاری‌های نظامی و فنی با روسیه، که در میدان‌های مشترکی آزموده شده، باید به یک مشارکت پایدار برای مقابله با تهدیدات مشترک و موازنه در برابر ائتلاف‌های رقیب ارتقا یابد. این دو قدرت، لنگرگاه‌های اصلی ایران برای جلوگیری از انزوای راهبردی در دوران پس از بحران هستند.

در سطح منطقه‌ای، درگیری اخیر فضای پیچیده‌ای را ایجاد کرده است. از یک سو، برخی کشورهای همسایه ممکن است در جستجوی تضمین‌های امنیتی، به سمت ائتلاف‌های تحت رهبری غرب سوق پیدا کنند. اما از



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

سوی دیگر، اثبات توانمندی‌های بازدارنده ایران و مشاهده مخاطرات گسترش درگیری، ضرورت تنش‌زدایی و یافتن راهکارهای دیپلماتیک را برای دیگر بازیگران منطقه‌ای آشکار ساخته است. هدف این بخش، ارائه مدلی برای «دیپلماسی شبکه‌ای» است که از این فضای دوگانه بهره‌برداری کند. این امر شامل تحکیم روابط با شرکای منطقه‌ای قابل اتکا و همزمان، مدیریت هوشمندانه تنش‌های منطقه‌ای، با تاکید بر منافع مشترک در ثبات منطقه‌ای و امنیت مسیرهای تجاری است.

فراتر از این دو لایه، بازآفرینی قدرت سیاسی ایران مستلزم ایجاد عمق راهبردی در مقیاس جهانی است. این امر از طریق برقراری روابطی متوازن و سودمند با قدرت‌های منطقه‌ای نوظهور مانند هند، برزیل و آفریقای جنوبی و همچنین کشورهای کوچکتر اما دارای اهمیت راهبردی در آمریکای لاتین و آفریقا که دارای دیدگاه‌های منتقدانه نسبت به نظم تک‌قطبی هستند، محقق می‌شود. این شبکه گسترده از روابط، ایران را از یک بازیگر محصور در بحران‌های منطقه‌ای به یک کنشگر با حضور و نفوذ جهانی تبدیل کرده و با ایجاد یک جبهه دیپلماتیک متنوع، آسیب‌پذیری کشور در برابر فشارهای یک‌جانبه را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهد.

گروه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای

عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای و پیوستن به گروه بریکس در سال ۱۴۰۲، نقاط عطف مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. این تحولات، که نشانه‌هایی از فرصت‌های موجود در نظم نوین جهانی هستند، در فضای پس از یک درگیری نظامی، از دستاوردهای دیپلماتیک صرف به ارکان حیاتی امنیت ملی و بازسازی اقتصادی تبدیل شده‌اند. این سازمان‌ها بستری برای همکاری‌های امنیتی و اقتصادی فراهم می‌کنند که خارج از کنترل و نفوذ غرب قرار دارند و به همین دلیل، ابزارهای کلیدی برای بازآفرینی قدرت ایران در یک محیط راهبردی جدید به شمار می‌روند.

در بعد اقتصادی، ظرفیت‌های گروه بریکس اهمیتی حیاتی دارد. نهادها و ابزارهای مالی گروه بریکس از جمله بانک توسعه نوین، یک جایگزین بالقوه برای نهادهای مالی غربی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شمار می‌آیند. زیرساخت‌های حیاتی کشور که پیش از این نیز به دلیل بیش از یک دهه تحریم شدید نیازمند بازسازی و نوسازی بود، در جریان درگیری نظامی اخیر آسیب‌های مضاعفی را متحمل شده است. از این رو، دسترسی به منابع مالی برای یک بازسازی جامع، به اولیوی فوری و راهبردی بدل گشته است. بر این اساس، ایران می‌تواند طرح‌های مشخصی را برای تامین مالی پروژه‌های کلیدی، از جمله نوسازی شبکه برق،



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

توسعه پایانه‌های بندری و تکمیل کریدورهای حمل‌ونقل ریلی، به این نهاد و نهادهای مشابه ارائه دهد. موفقیت در جذب منابع از این نهادها، نه تنها به بازسازی اقتصادی کمک می‌کند، بلکه یک پیروزی سیاسی در راستای شکستن انحصار مالی غرب و بی‌اثر کردن تحریم‌ها نیز محسوب می‌شود. همچنین، سازکارهای بریکس برای تجارت با ارزهای ملی، بستری برای کاهش وابستگی به دلار و ایمن‌سازی تجارت خارجی کشور در برابر فشارهای مالی آینده فراهم می‌آورد.

در بعد امنیتی، سازمان همکاری شانگهای جایگاهی منحصر به فرد دارد. تقابل نظامی اخیر، تهدیدات امنیتی ترکیبی، از جمله خطر فعال شدن گروه‌های افراطی و تروریستی توسط بازیگران متخاصم در مرزهای شرقی کشور را افزایش می‌دهد. در این چارچوب، ایران می‌تواند از یک عضو صرف، به یک شریک امنیتی غیرقابل جایگزین برای این سازمان تبدیل شود. این امر از طریق مشارکت فعال در «ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم (RATS)» و به اشتراک گذاشتن داده‌های اطلاعاتی و تجربیات گسترده خود در زمینه مبارزه با تروریسم در غرب آسیا محقق می‌شود. ایفای چنین نقشی، نه تنها به تامین امنیت مرزهای خود ایران کمک می‌کند، بلکه جایگاه کشور را به عنوان یک «تامین‌کننده ثبات» در آسیای مرکزی تثبیت کرده و با روایت‌هایی که به دنبال معرفی ایران به عنوان یک بازیگر بی‌ثبات‌کننده هستند، مقابله می‌کند.

بنابراین، این زیرمجموعه به دنبال بررسی راهکارهای عملی برای تبدیل این عضویت‌ها از یک حضور نمادین به یک ابزار قدرت موثر است. پاسخ به این چالش‌ها مسیر بازآفرینی قدرت ایران را در ابعاد اقتصادی و امنیتی در نظم نوین جهانی هموار خواهد ساخت.

ایمن‌سازی زنجیره‌های تامین

توالی بحران‌های جهانی در دهه‌های اخیر، از شوک‌های مالی نظیر بحران سال ۲۰۰۸، تا تنش‌های ژئواکونومیک مانند جنگ‌های تعرفه‌ای، بحران‌های بهداشتی جهانی همچون همه‌گیری کووید-۱۹ و درگیری‌های نظامی مستقیم در اوکراین و غرب آسیا، به روشنی نشان داده است که دوران اتکا به زنجیره‌های تامین جهانی و مبتنی بر راهبرد تولید به‌هنگام به پایان رسیده است. کنترل بر زنجیره‌های تامین کالاهای اساسی (غذا، دارو، انرژی و قطعات صنعتی) به یک مولفه حیاتی از قدرت ملی در نظم نوین جهانی بدل شده است. کشورهایی که در این زمینه‌ها آسیب‌پذیر باشند، به راحتی تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند. برای ایران که تحت تحریم‌های شدید و طولانی‌مدت قرار دارد، این موضوع همواره دارای اهمیت بوده است، اما تقابل نظامی اخیر با رژیم صهیونیستی، این اولویت راهبردی را به یک الزام امنیت ملی، فوری و غیرقابل



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

چشم‌پوشی تبدیل کرده است. این درگیری نشان داد که در زمان یک بحران تمام‌عیار، توانایی حفظ کارکردهای اساسی دولت و تامین نیازهای جامعه، به اندازه توانمندی نظامی اهمیت دارد.

این بخش به دنبال ارائه راهکارهایی برای بازآفرینی قدرت از طریق افزایش همه‌جانبه «تاب‌آوری ملی» است. این تاب‌آوری، فراتر از افزایش صرف تولید داخلی، شامل ابتکارات راهبردی مانند کشت فراسرزمینی در کشورهای هم‌پیمان برای متنوع‌سازی منابع غذایی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین کشاورزی برای مدیریت بحران آب و ایجاد زنجیره‌های تامین امن منطقه‌ای با کشورهای همسایه برای کالاهای اساسی است. به همین ترتیب، در حوزه سلامت، ایمن‌سازی زنجیره تامین به معنای دستیابی به خودکفایی نه تنها در داروی نهایی، بلکه مهم‌تر از آن، در مواد موثره دارویی (API) است تا وابستگی به چند کشور مشخص برای این ورودی‌های حیاتی شکسته شود.

تقابل اخیر، ضرورت ایمن‌سازی زنجیره تامین صنعتی، از مواد خام تا کالاهای واسطه‌ای کلیدی را نیز برجسته ساخت تا اطمینان حاصل شود که بنیه صنعتی و دفاعی کشور در اثر اختلالات، فلج نمی‌شود. این امر نیازمند یک دیپلماسی اقتصادی فعال برای ایجاد مسیرهای تجاری جایگزین و انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه برای دور زدن نظام مالی دلاری است. در نهایت، این رویکرد، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را از یک راهبرد تدافعی برای بقا در برابر فشارها، به یک راهبرد کنشگرانه برای کسب قدرت تبدیل می‌کند؛ چرا که کشوری که نتوان آن را از طریق نیازهای اساسی‌اش تحت فشار قرار داد، از استقلال عمل و آزادی کنشگری بیشتری در صحنه بین‌المللی برخوردار خواهد بود.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

محور سوم: موانع و چالش‌ها

مسیر بازآفرینی قدرت ایران در نظم نوین جهانی هموار نیست و با موانع جدی داخلی و خارجی روبرو است. بسیاری از این چالش‌ها، میراث نظم پیشین هستند که همچنان بر کنشگری ایران سایه افکنده‌اند. از سوی دیگر، برخی از موانع نیز ریشه در ساختارهای ناکارآمد داخلی و بینش‌های نادرست تصمیم‌گیران دارند. شناخت دقیق، صریح و علمی این موانع، اولین و مهم‌ترین گام برای غلبه بر آنهاست. این محور با رویکردی آسیب‌شناسانه، به کالبدشکافی این چالش‌ها می‌پردازد.

کارزار تحریم و فشار حداکثری

نظام تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، به عنوان ابزار اصلی قدرت باقی‌مانده از نظم تک‌قطبی، پس از تقابل نظامی اخیر با رژیم صهیونیستی و متعاقب آن، فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط تروئیکای اروپایی، ماهیتی به‌مراتب پیچیده‌تر و خصمانه‌تر به خود گرفته است. این کارزار دیگر صرفاً یک ابزار برای مهار برنامه‌های راهبردی ایران نیست، بلکه به یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار تبدیل شده است که با هماهنگی کامل میان واشنگتن، تل‌آویو و پایتخت‌های اروپایی با هدف جلوگیری از بازآفرینی قدرت ایران در دوران پس از بحران، هدایت می‌شود.

در این معماری فشار، ایالات متحده با بهره‌گیری از سلطه دلار و کنترل بر جریان‌های مالی جهانی از طریق نهادهایی چون دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (اوفک)، حلقه محاصره اقتصادی را تنگ‌تر می‌کند. همزمان، رژیم صهیونیستی با استفاده از نفوذ سیاسی خود در پایتخت‌های غربی و توانمندی‌های اطلاعاتی و سایبری، به شناسایی و مختل‌سازی شبکه‌های مالی و تجاری ایران که به دنبال کاهش اثر تحریم‌ها هستند، می‌پردازد. اقدام کشورهای اروپایی در فعال‌سازی مکانیسم ماشه طی ماه‌های گذشته جبهه غرب را در این تقابل اقتصادی به صورت کامل یکپارچه کرد. این همسویی اصلی‌ترین مانع خارجی بر سر راه بازسازی اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های آسیب‌دیده کشور است.

بنابراین، این زیرمحور به دنبال بررسی عمیق ابعاد حقوقی، اقتصادی و فنی این نظام تحریمی یکپارچه و ارائه راهکارهای خلاقانه برای مقابله با آن در بستر نظم نوین جهانی است. این راهکارها باید فراتر از اقدامات تاکتیکی برای دور زدن تحریم‌ها باشند و به سمت ایجاد یک معماری مالی موازی و تاب‌آور حرکت کنند.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

برای مثال، باید به صورت جدی ظرفیت همکاری‌های بانکی و مالی دوجانبه با شرکای راهبردی مورد واکاوی قرار گیرد. همچنین، اتصال به سامانه‌های پیام‌رسان مالی جایگزین مانند SPFS روسیه و CIPS چین، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی برای ایجاد یک کریدور مالی امن و خارج از دسترس نظام دلاری است. مهم‌تر از همه، دیپلماسی فعال در نهادهایی مانند گروه بریکس باید بر دستورکار «دلارزدایی» و تقویت نهادهایی چون «بانک توسعه نوین» متمرکز شود. موفقیت در این حوزه‌ها به معنای بی‌اثر کردن تدریجی قدرتمندترین سلاح دشمنان ایران و فراهم آوردن زمینه واقعی برای بازآفرینی قدرت اقتصادی در جهان جدید خواهد بود.

کشورهای رقیب منطقه‌ای

در حالی که نظم نوین جهانی فرصت‌هایی را برای ایران فراهم می‌کند، این واقعیت را نباید نادیده گرفت که همین فرصت‌ها برای رقبای منطقه‌ای نیز به صورت برابر و گاه بیشتر فراهم است. این کشورها نیز به دنبال بازآفرینی قدرت خود در خلاء نسبی ناشی از کاهش تمرکز آمریکا بر منطقه هستند و این امر، یک محیط رقابتی پیچیده و چندلایه را ایجاد کرده است.

کشورهایی همچون عربستان و امارات، با اتکا به منابع مالی عظیم، راهبرد «قدرت هوشمند» را در پیش گرفته‌اند که بر تنوع‌بخشی اقتصادی و دیپلماسی فعال متمرکز است. طرح‌هایی مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و پروژه‌های عظیمی چون شهر نئوم، تلاشی برای تبدیل این کشورها از قدرت‌های صرفاً نفتی به کانون‌های جهانی فناوری، گردشگری و لجستیک است. همزمان، این کشورها از طریق ائتلاف‌سازی‌های امنیتی مانند پیمان‌های ابراهیم، به دنبال ایجاد یک معماری امنیتی منطقه‌ای هستند که ایران را منزوی یا حتی مهار کند.

از سوی دیگر ترکیه نیز به عنوان یک رقیب سنتی و قدرتمند، راهبردی چندوجهی را دنبال می‌کند که از نفوذ در شمال عراق و سوریه تا گسترش حضور در قفقاز و آسیای مرکزی امتداد دارد. این کشور با تکیه بر قدرت صنعتی و نظامی خود، به دنبال تبدیل شدن به یک قطب انرژی و یک مسیر ترانزیتی کلیدی از طریق کریدور میانی است که به صورت مستقیم با طرح‌های ایران برای ایفای نقش در مسیرهای شرق به غرب رقابت می‌کند.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

در این میان، هند نیز به عنوان یک قدرت نوظهور، به یک بازیگر مهم در معادلات منطقه‌ای تبدیل شده است. این کشور اگرچه یک رقیب ایدئولوژیک یا نظامی مستقیم برای ایران نیست، اما در عرصه ژئواکونومیک، رقابت جدی را نمایندگی می‌کند. پروژه کریدور اقتصادی هند-غرب آسیا-اروپا (IMEC) که با حمایت آمریکا و با مشارکت امارات، عربستان و رژیم صهیونیستی طراحی شده، یک طرح راهبردی برای ایجاد یک مسیر تجاری جایگزین است که به صورت آشکار ایران را دور می‌زند و ظرفیت ابتکارهایی همچون کمربند و راه چین و یا کریدور شمال-جنوب را به چالش می‌کشد.

بنابراین، این بخش به تحلیل عمیق راهبردهای این بازیگران رقیب و ارائه گزینه‌هایی برای مدیریت این رقابت پیچیده می‌پردازد. پرسش اصلی این است که راهبرد ایران باید مبتنی بر کدام الگو باشد: تقابل مستقیم در حوزه‌های نفوذ، مهار غیرمستقیم از طریق تقویت متحدین، یا یافتن زمینه‌هایی برای همکاری در عین رقابت در موضوعاتی مانند ثبات منطقه‌ای یا امنیت انرژی؟ مدیریت هوشمندانه این رقابت‌های منطقه‌ای، که پس از درگیری نظامی اخیر پیچیده‌تر نیز شده است، بخش مهمی از پازل موفقیت ایران در نظم جدید خواهد بود.

موانع نهادی و ساختاری داخلی

در مسیر بازآفرینی قدرت ایران در نظم نوین جهانی، گاهی بزرگترین و سرسخت‌ترین موانع، نه در خارج، که در داخل مرزها و در بطن ساختارهای اداری و اقتصادی کشور قرار دارند. یک تناقض آشکار میان ظرفیت‌های کم‌نظیر فناوریانه و ژئواکونومیک کشور از یک سو و گرفتاری در ساختارهای دیوان‌سالارانه فرسوده و فرهنگ مدیریتی منفعل از سوی دیگر، وجود دارد. این زیرمحور به دنبال آسیب‌شناسی دقیق این موانع ساختاری و نهادینه شده است که توانایی کشور برای استفاده سریع و بهینه از فرصت‌های زودگذر نظم جدید را تضعیف می‌کنند.

ساختارهای دیوان‌سالارانه ناکارآمد و بروکراسی پیچیده و زمان‌بر، که می‌توان از آن به عنوان نظام اداری متصلب یاد کرد، اصلی‌ترین مانع داخلی است. این مانع خود را در فرآیندهای فرسایشی برای صدور مجوز کسب‌وکار یا جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد. این ایستایی، ظرفیت کشور برای مدرن‌سازی زیرساخت‌های حیاتی را به شدت محدود می‌کند. این وضعیت با فقدان یک نهاد متولی و راهبر که مسئولیت اجرایی کردن راهبردهای کشور و پیگیری پیشبرد پروژه‌های کلان ملی را بر عهده داشته باشد، تشدید می‌شود. در غیاب چنین نهادی، دستگاه‌های مختلف که هر یک بخشی از مسئولیت را در اختیار دارند، به جای



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

هم‌افزایی، به مانعی برای یکدیگر تبدیل می‌شوند. تداخل وظایف و تعارض منافع سازمانی، عملاً پروژه‌های راهبردی را در چرخه‌ای از ناهماهنگی گرفتار می‌کند.

یکی دیگر از عمیق‌ترین موانع، سختی ورود و بی‌انگیزگی نخبگان و متخصصان برای پیوستن به بدنه دولت است. ساختارهای گزینشی اغلب بسته، غیرشفاف و گاهی مبتنی بر معیارهایی غیر از تخصص، به دفع سرمایه‌های انسانی کارآمد منجر می‌شود. نخبگان و افراد متخصص، در مواجهه با این دیوارهای بلند و محیط غیرجذاب اداری، یا به بخش خصوصی پویا پناه می‌برند که این امر شکاف میان دولت و بخش مولد اقتصاد را عمیق‌تر می‌کند، یا در نهایت گزینه مهاجرت از کشور را انتخاب می‌کنند. از دست دادن نیروی انسانی متخصص، به عنوان مهم‌ترین سرمایه راهبردی کشور، توانمندی نظام تصمیم‌گیری و اجرایی را برای مواجهه موثر با پیچیدگی‌های جهان جدید به شکل چشمگیری محدود می‌سازد.

این شکاف سرمایه انسانی، خود را در حوزه‌های نوین مانند اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی به وضوح نشان می‌دهد. در حالی که جهان به سرعت در این مسیر حرکت می‌کند، زیرساخت‌های ضعیف ارتباطی و قوانین بازدارنده داخلی، ایران را در معرض خطر عقب ماندن از این قافله جهانی قرار داده است. در این میان، نهادهای امنیتی نیز که وظیفه اصلی آن‌ها فراهم کردن فضایی ایمن برای نقش‌آفرینی و نوآوری است، گاه خود به مانع دیگری تبدیل شده‌اند. نگاه امنیتی‌محور و غیرکارشناسی به فناوری‌های نوین، به جای ایجاد یک محیط امن و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت نخبگان، به وضع قوانین محدودکننده و ایجاد یک لایه بوروکراسی مضاعف منجر شده و عملاً پویایی این بخش‌های حیاتی را مختل می‌کند.

این زیرمحور به دنبال ارائه پیشنهادها و مشخص برای اصلاحات نهادی است تا نظام اداری و اقتصادی کشور برای نقش‌آفرینی موثر در قرن بیست و یکم آماده شود.

موانع بینشی و انگیزشی تصمیم‌گیران

در نهایت، بهره‌برداری از فرصت‌های نظم نوین جهانی نیازمند یک تغییر بنیادین در ذهنیت و بینش نخبگان و تصمیم‌گیران است. این مانع، که ماهیتی شناختی و فرهنگی دارد، اغلب ناملموس‌تر اما ریشه‌ای‌تر از چالش‌های مادی است. غلبه تفکر کوتاه‌مدت و روزمره بر تفکر راهبردی و آینده‌نگر، یکی از بارزترین این موانع است. این ذهنیت خود را در ترجیح دادن «مدیریت بحران» بر «آینده‌پژوهی راهبردی» نشان می‌دهد. برای مثال، در حوزه مقابله با تحریم‌های مالی، تمرکز بر راهکارهای کوتاه‌مدت و پریسک برای صرفاً دور زدن



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

تحریم‌ها، مانند اتکای کامل به شبکه‌های مالی غیرشفاف و مبتنی بر شرکت‌های تراستی، جایگزین تلاش راهبردی برای خنثی‌سازی تحریم‌ها از طریق طراحی و نهادینه‌سازی نظام پرداخت رسمی بین‌المللی و پایدار با شرکای راهبردی می‌شود. به همین ترتیب، تمام توان نظام تصمیم‌گیری صرف کنترل نوسانات روزانه بازار ارز می‌شود، در حالی که اصلاحات ساختاری و بلندمدت اقتصادی که می‌تواند به ثبات پایدار منجر شود، برای سال‌ها به تعویق می‌افتد. این رویکرد، کشور را در یک چرخه دائمی واکنش به رویدادها، به جای کنشگری برای شکل دادن به آینده، گرفتار می‌کند.

همزمان، مقاومت در برابر تغییر و نوآوری در ساختارهای سنتی، یک مانع جدی دیگر است. این مقاومت صرفاً یک ایستایی بوروکراتیک نیست، بلکه ریشه در حفظ منافع نهادینه شده دارد. برای نمونه، اجرای واقعی و کامل دولت الکترونیک که می‌تواند به شفافیت گسترده و حذف امضاهای طلایی منجر شود، با مقاومت پنهان و آشکار بخش‌هایی از بدنه اداری مواجه می‌شود که شفافیت را در تضاد با منافع خود می‌بینند. این امر باعث می‌شود که نوآوری‌های ضروری برای رقابت‌پذیری در قرن بیست و یکم، یا هرگز به مرحله اجرا نرسند یا به شکلی ناقص و ناکارآمد پیاده‌سازی شوند.

علاوه بر این، وجود درک‌های متفاوت و گاه متعارض از منافع ملی در میان نهادهای مختلف، به یک ابهام سیاستی مزمن دامن زده است. در مورد یک پروژه راهبردی مانند توسعه یک کریدور ترانزیتی، ممکن است وزارت امور خارجه آن را یک دستاورد دیپلماتیک، وزارت اقتصاد آن را یک بار مالی سنگین، یک نهاد صنعتی آن را تهدیدی برای تولید داخل و یک نهاد امنیتی آن را دارای مخاطرات خاص خود بداند. این تعارض دیدگاه‌ها، در غیاب یک فهم مشترک و یک نهاد راهبر بالادستی، موجب می‌شود که بزرگترین فرصت‌ها نیز در میانه این ناهماهنگی‌ها از دست بروند.

مجموعه این عوامل، به شکل‌گیری یک ذهنیت تدافعی و مبتنی بر بقا منجر شده است که اگرچه طی دهه‌های گذشته برای مواجهه با فشار و تحریم لازم بوده است، اما برای دوران جدید ناکافی است. این بخش به این پرسش کلیدی می‌پردازد که چگونه می‌توان یک «فرهنگ راهبردی» منسجم، پویا و مبتنی بر واقعیات را در نظام تصمیم‌گیری کشور ایجاد کرد؟ این فرهنگ راهبردی، پیش‌نیاز گذار از ذهنیت بقا به یک ذهنیت کنشگرانه و مبتنی بر پیشرفت است که لازمه بازآفرینی قدرت ایران در جهان جدید خواهد بود.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

۳) نوع آثار ارسال

هدف کلان همایش سالانه اقتصاد مقاومتی، بهبود کیفیت تصمیم گیری در کشور است. از این رو در این همایش آثار علمی در قالب «طرح سیاستی» دریافت و ارزیابی می شود. طرح های سیاستی برگزیده، علاوه بر ارائه در اختتامیه همایش در محضر مسئولین عالیرتبه کشوری، پس از اختتامیه نیز توسط اندیشکده اقتصاد مقاومتی از دستگاه های مسئول پیگیری خواهند شد تا انشاءالله منشا اثر واقع شوند.

طرح سیاستی، الگویی بومی است که با توجه به محوریت اثربخشی و تلاش برای ارائه پاسخ های واقعی و دقیق به مسائل اقتصادی کشور طراحی شده است. سطح مباحثی که در طرح سیاستی ارائه می شود می تواند در لایه راهبرد، سیاست و یا راهکار باشد و از این منظر محدودیتی پیش روی ارائه دهندگان این آثار نیست.

معرفی طرح سیاستی

ویژگی اصلی طرح سیاستی این است که مشخص می کند «مسأله چیست» و «چگونه می توان برای حل آن اقدام نمود» تا در نهایت یک «پیشنهاد سیاستی» مشخص برای کشور و مسئولین مرتبط ارائه گردد.

طرح سیاستی قالبی متفاوت از قالب مرسوم مقاله دارد و دارای چند ویژگی است:

❖ ناظر به حل مساله و دارای راهکار مشخص

در الگوی طرح سیاستی دسته بندی و مطالعه صرف روی موضوعی بدون حصول نتیجه سیاستی و کاربردی پذیرفته نیست و نتیجه طرح باید به حل یکی از مسائل واقعی اقتصاد کشور بینجامد.

❖ موجز و مختصر



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

در این الگو، نیازی نیست نگارنده زمان زیادی را صرف نگارش متن طولانی با چارچوب‌های مرسوم علمی نماید. حتی یک مدیر اجرایی با وجود مشغله‌های فراوان می‌تواند ایده خود را برای حل مسائل مستحدثه در حوزه کاری خود در این قالب مطرح نماید.

❖ داوری و ارزیابی حضوری

فرصت ارائه حضوری به کمیته داوران همایش که متشکل از اساتید، صاحب‌نظران و مسئولین منتخب حوزه موضوعی موردنظر هستند و داوری به صورت حضوری و تعاملی یکی دیگر از ویژگی‌های طرح سیاستی است.



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

(۴) مراحل و زمان بندی پذیرش آثار

پذیرش و داوری آثار در سه مرحله انجام می‌شود:

- در مرحله اول طبق زمان بندی انجام شده، چکیده آثار دریافت و ارزیابی می‌شود.^۱ برای این مرحله تا تاریخ ۳۰ آذرماه سال جاری فرصت وجود دارد.
- در مرحله دوم ضمن ارائه بازخورد ارزیابی به چکیده آثار ارسالی، فرصت برای تهیه نسخه اصلی طرح ارائه می‌شود. نسخه اصلی باید در قالب پاورپوینت که نمونه آن در سایت همایش بارگذاری شده است، ارائه شود. برای این مرحله تا تاریخ ۱۵ دی ماه سال جاری فرصت وجود دارد.
- در مرحله سوم، پس از تایید فایل پاورپوینت طرح‌ها و اعلام به نگارنده، داوری حضوری توسط کمیته داوران همایش، متشکل از کمیته علمی همایش و کارشناسان منتخب، انجام می‌شود و طرح‌های سیاستی برگزیده در روز اختتامیه همایش با حضور مسئولین عالی رتبه موضوع مورد نظر ارائه شده و مورد تقدیر قرار خواهند گرفت.

قالب چکیده و نکات مورد نیاز در تدوین اصل طرح سیاستی ارسالی برای دبیرخانه همایش در ادامه ارائه شده است.

مرحله اول ارسال آثار تا ۳۰ آذرماه – چکیده طرح

علاقه مندان به ارسال طرح سیاستی برای یازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید چکیده آثار خود را در سایت همایش بارگذاری نمایند. چکیده مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه از طریق صفحه شخصی نگارنده در سایت همایش و پیامک، به اطلاع ایشان می‌رسد تا در صورت تایید نسبت به تهیه اصل طرح سیاستی اقدام نمایند.

چکیده طرح سیاستی باید دارای یک عنوان مناسب و یک متن به میزان حداکثر ۷۰۰ کلمه و شامل موارد زیر باشد:

^۱ از طریق سایت همایش: Conf12.Mett.ir



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

۱- بیان مسئله

– کشور با چه مسئله ای روبروست؟

۲- اشاره به ریشه و آثار مسئله

– ریشه و علت پدیدآورنده مسئله چیست؟

– آثار مسئله و تبعات عدم حل آن چیست؟

۳- اشاره به راهکار حل مسئله

– برای حل مسئله چه باید کرد؟

– چه تغییری در روال موجود باید شکل گیرد و چه فرد و نهادی باید تصمیم بگیرد؟

مرحله دوم ارسال آثار تا ۱۵ دی ماه – اصل طرح سیاستی

در صورت تایید چکیده طرح توسط کمیته علمی همایش، صاحب اثر می تواند نسبت به تهیه نسخه اصلی طرح سیاستی در زمان مقرر طبق [قالب پاورپوینت](#) بارگذاری شده اقدام نموده و آن را در سایت همایش به نشانی Conf12.Mett.ir بارگذاری نماید. (ارسال آثار تنها از طریق بارگذاری در سایت مورد قبول است)



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

۵) نکات مهم در تدوین طرح سیاستی

- به سازمان‌دهی مطالب دقت کنید: در تدوین طرح سیاستی از سبک هرم وارونه استفاده نمایید. بنابراین مهم‌ترین پیام طرح سیاستی را در ابتدا و کم‌اهمیت‌ترین مطلب را در انتها قرار دهید.
- حرفه‌ای باشید، نه آکادمیک: مخاطبان طرح سیاستی علاقه‌ای به روش تحقیق/تحلیل انجام شده برای تولید شواهد ندارند. آن‌ها علاقه زیادی به دانستن ایده و دیدگاه ارائه‌دهنده در مورد مسئله و راه‌حل‌های بالقوه بر اساس شواهد جدید دارند. با این حال برای دفاع از پیشنهاد سیاستی خود، مروری بر نظریات و آخرین تحقیقات نیز داشته باشید.
- هدف و تمرکز مشخصی داشته باشید: مسئله‌ای را که می‌خواهید به آن بپردازید، به وضوح تعریف کنید و ابعاد و مرزهای آن، زاویه پرداختن به آن و سطح تحلیل و راهکار آن را مشخص نمایید. همچنین در طرح سیاستی مخاطب معینی را در نظر بگیرید و مشخص کنید. این مخاطب می‌تواند یک دستگاه یا فرد تصمیم‌گیرنده، گروهی ذی‌نفوذ یا حتی یک رسانه باشد.
- موجز بنویسید: طرح سیاستی از زبانی گویا، ساده و آشنا برای مخاطب استفاده می‌کند. از به کار بردن بیش از حد اصطلاحات تخصصی و جملات طولانی اجتناب کنید. هنگامی که اصطلاحات تخصصی لازم است، آن را توضیح دهید.
- طراحی مناسب داشته باشید: طرح سیاستی باید از طریق داشتن طراحی حرفه‌ای و خلاقانه، توجه مخاطبان بالقوه را به خود جلب کند. به این ترتیب لازم است تدوین‌کنندگان طرح سیاستی برخی از ویژگی‌ها همانند استفاده مناسب از رنگ، نشان، عکس، نمودار، الگوی مفهومی، شعار، نقل قول‌های مصور و غیره را در طرح بگنجانند.
- رویکرد مبتنی بر شواهد داشته باشید: هدف یک طرح سیاستی متقاعد کردن است. بخش بزرگی از متقاعد کردن مخاطب، حمایت از ایده‌های خود با استفاده از شواهد است. بنابراین راهکارها باید شواهدمحور باشند. همچنین از شواهد برای نشان دادن نقاط ضعف و نقایص در سیاست‌های موجود استفاده نمایید.
- توصیه‌ها عملی و امکان‌پذیر باشد: طرح سیاستی ابزاری عمل‌گرا است که متخصصان سیاست‌گذاری و بازیگران موثر هر موضوع را هدف قرار می‌دهد. بنابراین توصیه‌هایی را پیشنهاد کنید



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

که برای مخاطب واقع بینانه به نظر می رسد و قیود اجرایی، مدیریتی، محدودیت منابع و بودجه و ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک آن در پرتو تجربه گذشته و نیز تجربه دیگر کشورها مورد توجه واقع شده است.

۶) ملاحظات ارسال اثر و مزایا

در خصوص ارسال آثار ملاحظات زیر وجود دارد:

- محورها و زیرمحوهای ارائه شده به منظور جهت دهی و بهبود فضای ذهنی پیشنهاد شده است و به معنای ایجاد محدودیت برای ارائه طرح های سیاستی در موضوعات و چالش های دیگر حوزه موضوعی همایش نیست.
- چکیده طرح های سیاستی نیازمند صرف وقت فراوان برای تدوین نیست. اگر صرفا چالشی شناخته شده و راهکاری مشخص وجود داشته باشد و ذکر شود، کافی است.
- رد چکیده یا عدم انتخاب اصل طرح سیاستی به عنوان طرح برگزیده از سوی کمیته علمی، هیچ مسئولیتی را برای کمیته علمی و مسئولین همایش ایجاد نمی کند.

به آثار مورد تایید و برگزیده همایش، امتیازات زیر تعلق می گیرد:

۱. پیگیری طرح سیاستی با استفاده از ظرفیت های همایش سالانه اقتصاد مقاومتی در جریان همایش و پس از اختتامیه همایش و همکاری با ارائه دهنده طرح سیاستی در فرایند تصمیم سازی
۲. فرصت ارائه طرح سیاستی در حضور تصمیم گیران و مسئولین عالیرتبه در اختتامیه همایش
۳. انتشار چکیده طرح های سیاستی پذیرفته شده در ویژه نامه و سایت همایش
۴. تقدیر ویژه، هدیه نفیس و تندیس همایش برای طرح های سیاستی برگزیده همایش



همایش سالانه اقتصاد مقاومتی Annual Conference on Moqavemati Economy

۶) نمونه طرح سیاستی

در پیوند زیر نمونه یک طرح سیاستی مناسب پر شده جهت آشنایی بیشتر مخاطبان قرار گرفته است.

[نمونه طرح سیاستی](#)